

معرفی کتاب

رجال کتاب حبیب السیر

شادروان، علامه محقق محمد قزوینی
کار جمع آوری اطلاعات رجالی پراکنده
حبیب السیر را مطرح نموده و عباس اقبال،
شاگرد پراستعداد خود، عبدالحسین نوایی
را بدین کار مامور کرده و او نیز این کار را
به خوبی به پایان رسانده است

که بلافاصله بعد از این سطور به طبع رسیده است نوشته و
حق مطلب را ادا کرده‌اند...»

اما مقدمه جدیدی که دکتر نوایی بر چاپ اخیر این کتاب
نوشته‌اند در عین حال که بسیار دل‌آویز می‌نماید، سخت
غم‌انگیز است. وی پس از ذکر این مطلب که ناشر، یعنی
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از او خواسته است مقدمه‌ای بر
چاپ جدید بنویسد، چنین می‌آورد: «کاش از من نخواستند
بودند، و کاش من هم نپذیرفته بودم که این کار یعنی بازگشت
به پنجاه و چند سال پیش بر من سخت گزارف بوده و همین
که پذیرفتم ناگهان غمی دردناک همچون کوه بر سرم ریخت.
اشکم دو چشم جمع آمد و بغضی در گلویم گرفت. زیرا توجه
به گذشته‌ای چنین دور بسیار غم‌انگیز بود...»

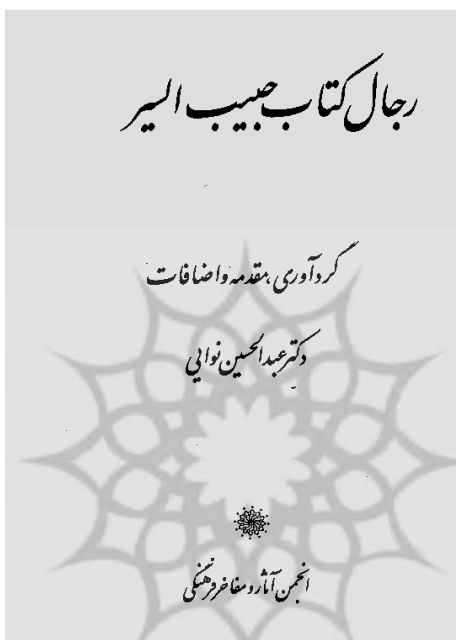
امروز که چشم بر هم می‌نهم و به آن روزهای رفته
می‌اندیشم، بی‌اختیار اشکم جاری می‌شود. زیرا از آن همه
بزرگان و عزیزانی که مشوق من بودند، هیچ کس نمانده و
به قول سعدی «چون نگه می‌کنم نمانده کسی». اقبال
آشتیانی، محمدقزوینی، دکتر قاسم غنی... همه روی در
نقاب خاک کشیده‌اند و باهفت هزار سالگان سربه سر شده‌اند،
و اینکه تنها من مانده‌ام و کوله‌باری از خاطرات تلخ و شیرین،
باچانی داغدار و جسمی نزار و بیمار، با همه ضعف و ناتوانی
ناشی از پیری و فرسودگی ولی حافظه‌ای نیرومند و آزاردهنده
که یاد همه عزیزان از دست رفته را در خاطر من زنده نگه
می‌دارد. چنان که گویی هر روز و هر لحظه برفقدان عزیز
می‌گیرم و از همه بدتر آن که بغض را باید در گلو خفه کنم و
اشک را در چشم به تدبیر و تزویر نگه‌دارم و تنها در دل
بگیرم و در جان به یاد عزیزان از دست رفته فریاد کنم.»
باری پس از مقدمه چاپ دوم دکتر نوایی و مقدمه
شادروان عباس اقبال، از صفحه یازده، رساله خوندمیر و کتاب
حبیب السیر آغاز می‌شود و به صفحه بیست پایان می‌پذیرد.
آن گاه متن کتاب از صفحه ۳۵ و با عنوان «ایام سلطنت
چنگیزخان» با ذکر شرح حال شیخ نجم‌الدین کبری شروع
می‌شود، و با عنوان «یک عده از فضلا و رجال عهد سلطان
حسین بایقرا» در صفحه ۳۰۲ به آخر می‌رسد. فهرستی جامع
و دقیق از اعلام و اماکن تا صفحه ۳۴۳ در پایان کتاب آمده
است.

رجال کتاب حبیب السیر (چاپ دوم) هدیه‌ای گرانبها
برای اهل تاریخ است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نوایی، عبدالحسین: رجال کتاب حبیب السیر، مقدمه، ص ۱۰.
۲. همان، پیشگفتار، صص ۷-۵.

O الهام ملک‌زاده



O رجال کتاب حبیب السیر
O گردآوری، مقدمه و اضافات: دکتر عبدالحسین نوایی
O ناشر: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم،
۱۳۷۹

منتشر شده، بدین معنی که بنا بر تصریح نامبردگان، هم
شادروان عباس اقبال در تهیه و انتشار مجله یادگار چنان
بوده که هر سال به جای ۱۲ شماره، ۱۰ شماره یادگار منتشر
شود و به جای دو شماره دیگر، کتابی به خوانندگان و
علاقه‌مندان مجله بدهد که شماره صفحات آن از تعداد
صفحات دو شماره کمتر نباشد. لذا در سال اول انتشار
یادگار، این کتاب به جای آن دو شماره به مشترکین تقدیم
شد.

از نکات دیگری که در مقدمه شادروان اقبال آمده، و
حائز کمال اهمیت است این که جمع آوردن این اطلاعات
پراکنده، ولی ارزنده حبیب السیر مورد علاقه و توجه کامل
شادروان علامه محقق محمدقزوینی بوده است. او چنین
کاری را مطرح نموده، و عباس اقبال، شاگرد پراستعداد خود،
عبدالحسین نوایی را بدین کار مامور کرده و او نیز این کار را
به خوبی به پایان رسانده است.

کتاب با شرح حال دقیق و جالب توجهی از خوندمیر
شروع می‌شود. این نوشته و تحقیق دکتر عبدالحسین نوایی
چنان جامع و فنی و محققانه است که مردی چون اقبال
آشتیانی به عنوان ناشر کتاب در مقدمه می‌نویسد:

«آنچه راجع به مولف حبیب السیر و اهمیت این کتاب
و اعتبار خاصی که قسمت تراجم رجال آن مخصوصاً همین
قسمتی که در این رساله نقل شده، گفتنی بوده است، آقای
عبدالحسین نوایی گردآورنده آن در مقدمه نفیس فاضلانهای

رجال کتاب حبیب السیر، پس از پنجاه و پنج سال
تجدید چاپ شد. این کتاب که نخستین اثر دکتر عبدالحسین
نوایی است، نخستین بار در تیرماه هزار و سیصد و بیست و
چهار طبع یافت، و موضوع آن ذکر علما و شعرا و هنرمندان و
صوفیان و خطاطان و نقاشان ایرانی در خلال سال‌های ۶۱۶
تا ۹۱۱ ق. و به تعبیر روشن‌تر، از حمله مغول تا مرگ سلطان
حسین بایقرا، واپسین پادشاه قابل ذکر سلسله تیموریان
براساس مندرجات کتاب حبیب السیر، اثر کم نظیر خوندمیر
است.

خوندمیر در کتاب حبیب السیر ضمن ذکر کارنامه
سلاطین و وقایع سیاسی، از جنگ‌ها و فتح‌ها و شکست‌ها و
دسیسه‌ها و تدبیرها و تزویرها، به ذکر نام و شرح حال بسیاری
از بزرگان آن روزگار می‌پردازد و با کمال بی‌طرفی اطلاعات
ذی‌قیمتی در اختیار اهل نظر قرار می‌دهد که در کمتر مرجعی
می‌توان بدان دست یافت. به خصوص در مورد بزرگان روزگار
خود یعنی نیمه دوم دولت گورکانی و خاصه بزرگان شهر
هرات که زادگاه مولف بوده، بنا بر حسب و نسب و احراز
مقامات عالی در شعر و ادب با آنان از نزدیک آشنا و چه بسا
که رفیق حجره و گلستان بوده است.

چنان که ذکر شد، این کتاب نخستین بار پنجاه و پنج
سال پیش چاپ شده است و چنان که در مقدمه دکتر نوایی
آمده، و شادروان اقبال آشتیانی نیز در مقدمه خویش برای
کتاب آورده‌اند، به جای دو شماره از مجله یادگار سال اول